

شماره سی و هفتم  
 اداره مرکزی جیل المین  
 گلکده لودریت پرورد شماره ۲۵  
 کارهای مستقل اداره پیرودیه  
 جلال الدین نجیبی القلم  
 ادبیات و کتب ۲  
 پرستش ۳۱۶ المطلق ۲۲  
 ماه اکتبر ۱۹۰۵ میلادی  
 هر دو شنبه طبع و شششنبه تقویم

سال چهارم  
 شماره سی و هفتم

۳ ۳ ۴  
 قیمت سالانه و اجرت پست  
 هندوستان بر سر هر دوره  
 ایران افغانستان بلخ خراسان  
 اروپا و چین بیت پنجگانه  
 مالک قزاق پنج نموده  
 مالک روسیه و کلمات  
 بخش هندوستان چهارانه  
 ایران یک قسه

# جیل المین

درین شماره از هر گونه مقالات سیاسی و منافع ملی و کشید و معتمدات معقول و متشاوران است متشاوران در  
 اعلان از طرف وکیل مرکزی طهران

## اعلان از طرف وکیل مرکزی طهران

خدمت شریفین محترم حسبه در تشریح جیل المین و صحت عرض میدهم این که  
 بجهت چنانچه نمره از جیل المین است که باید سالانه بشت لکن برسد ایضا  
 رسیده خواهش داریم فوراً بکالتنا جیل المین که در جیل المین با مدارک  
 مستند جناب ستیاب اهل کرم فخرمقامی میزبان مصطفی خان مؤمن الدود که  
 علم اقتصاد الحالی میباشد اطلاع بدست و در مورد امور آنرا در جیل المین  
 یک قران کسر که اشتهار یافته را با ما موافق و در روزنامه تا همان کسر از ما  
 رسد اش را در موضوع شود و اگر اتفاقاً نمره در عرض ما محفوظ شود یا داده  
 بواسطه ما می یک هفته تسلیم کنه حق کسر کردن از وجه روزنامه نماند که  
 امید است حسین وکیل مرکزی اداره جیل المین

## (سیاسی)

درین هفته میگردیم افق سیاست چین که تصادف شده که افق سیاست چین  
 اختلافات دولتین روس و انگلیس بود دولت روس کوی را زمینان دولت انگلیس  
 بود در حال سینه انگلستان هم در سینه انگلستان بود در سینه انگلیس  
 سافرن راه آهمن دست خنده از انگلستان شده بود و در سینه چین منوخ کرده  
 دولت روس سافرن راه آهمن و گرفتن دست خنده با هم بزرگ شده و دولت  
 انگلیس این امری که بر آشفته چه دولت روس را از هر جهت ایستادن  
 داده حتی اگر کسی مدعی شود که در جنگ با او استمداد خود را ظاهر ساخته بود ولی  
 چینیان فهمیده اند و در جلفا او عمل کردند دولت روس چون بر شکی دولت  
 انگلیس دیده و بی بروی او کشیده اظهار داشته است که دولت روس چینیان  
 رسانیدن نقصان با انگلیس نیست - اقیانوسیکه از چین حاصل کرده است

واقع میباشند - فیصله این رات در لندن و پترسبرگ بهتر شود و این است  
 انگلیس هم نرم شده و ظاهر است که این دولت روس خود پیش  
 از آنکه است که در صورت خوف جنگی که بسیار در روسیه انگلیس در چین  
 تا بجهت پیش آید  
 مساعی که نامه دولتین چین امین امریکا و اسپانیا با هم رسیده است علی او کاپها  
 بین سال گذشته تمام حسبه از طرف چین است چنانچه میان جنگ شریفین که ایالت  
 نشین حسبه از طرفین است تصرف آورده قانون امریکا قبضه نموده اند اگر چه  
 دولت اسپانیا این قبضه را با ما تسلیم داده که بعد از صلح این جنگ شده است  
 ولی پرو و صحت که این اقرضات مانع از تقاضای دولت فلاح خواننده دولت  
 امریکا آنچه ظاهر است از قبضه و اخی حسبه از طرفین که دولت عالی این جنگ است  
 چنانچه سابق نوشته ایم نخواهد گشته

مساعی جنگ مصر و سودان روز بروز گرم شود و کشون مصری و انگلیسی سردار  
 کجی پاشا از چهاره بجانب حسبه مردم برآید حرکت کرده است تا قریب میدان  
 جنگ گرم خواهد کرد و در تعدادی بشخصه درین جنگ شرکت خواهد کرد و سایرین  
 انگلستان میگویند این حسبه در جنگ با سودان است یعنی سودان متبسی منحل  
 خواهد شد که بجهت آنکه بکنند نخواهد کرد و این جنگ بسیار سخت خواهد بود و اینها  
 هم که میان دول خواهند کشید استمدادی که حسبه درین جنگ دیده که  
 جنگهای سابق سودان دیده بود پرو و صحت که اگر سودان پشت کرده  
 و نایب غایب نباشد و لو که شصت حسبه از قون تحت اسلح و آرد و در برابر  
 سی هزار قون حسبه از مصر و انگلستان استقامت خواهد کرد ولی اگر در باطن بگوید گشته  
 باشد این جنگ با این زود بهانها نخواهد گشته

(ملکرافات خارجه)

بیست و پنجم بربع الاول از لندن - اردو ویکامور کجنگه از علوم می باشد  
در کمال سرعت در مدت باره جمع می شود و امید است که بزودی پیش قدمی  
نمایند از اخبارات ایفرو ظاهر می شود که معده می سودانی نیست شش و پنجم  
جنگ شرکت نمایند

که در کجنگه با چند فرج معتدله لشکر از غمت باره بجانب مقصد حرکت داده  
مسافر دولت آزدونی در جنگ اسپانی تمهید شده و کجنگه در پنجاه لیون است  
که سیصد و سی هفت لیون باشد هزار و پست

فوتل اویریکا که مقیم جزیره کیوبا است بدولت متصرفه خود اطلاع میدهد که فلان  
کیوبا تمام شده اید صلح را قبول کرده اند من بعد خوف مخالفت نخواهد بود  
دولت آزدونی تمام اشکان جنگ از شد اید صلح مطلق نموده است  
و مگر کرده باغبان کیوبا جنرال کو مزار ابرواری فون کیوبا انتخاب نموده  
بیست و ششم فون زیاد و انگلیس کیوبا مندم حرکت کرده اند فون مذکور  
بذریعه گشتی های آتشی بجانب مقصد میسده فون سواره و در جنگ با اوردوز  
از راه خشکی روانه خواهند شد

اخبارات اسپانیا انجمنه و بزودی دولت اسپانیا لشکران و اخبار  
در بیس رسیده مسلما وقتی زشت حاشی در سایه نمود که علامت است  
بنوعی منم رسمی اظهار شده است که دولت روس همین قدر کامیست  
مستیارانی را که از دولت چین حاصل نموده است قائم و محفوظ دارد و اما  
استیاز جدید را از اسکاگینیت و این ابرم بیان شده که دولت روس در صدد  
نقصانی دولت انگلیس با اینست

چنانچه جنگی آلمان از منیلا و جزان چکان ابرشته به کمال سرعت خود را به کجا  
رسانیده است تمام اشکان جهان زمره خسروش بر لب کرده اند معلوم است  
که کیتان مذکور بجهت خیال بهنگام آمدن قیاس خیال میشود ولی حقیقت معلوم  
ایشل با کوه دست از والی کری کیوبا کشیده حکماتی فون اسپانی را در تحلیه  
منظور کرده است

بیست و هفتم از ملکا اسپانیا در از منیلا رسیده ظاهر می شود که کیشند گشته  
وقتی فون اویریکا بر منیلا شلیک کرد و فون مقصد از پایا درون میسکون در خط  
و غصه در منیلا تسلیم فون اویریکا نمودند که دار اسپانیا که موموست  
چنانچه ال کستان سنور در یکی از جهانات جنگی آلمان گشته فرا کرده درین جنگ  
نقصانی شمر میلا رسیده از خارج شدن کیوبا از منیلا از قبضه اسپانیا

اخبارات میدرو بدولت ابرسیه نمایند میدرو همگانی این اوقات است  
ولی در جنگ فون اویریکا نقصانی زیاد دیده اند

وقتی که کار و تراژیکانگ میسید که معاملات چین بکالت بسیار نامزدی رسیده  
و درین سبب چهار جنگی (پادورفل) که اراده رفتن میجو و داشت سرتوت نمود  
در مدت چهار روز (بارفلور) راهم فقه سرتوت داشته اند و چهار روز پسین

که فون آدوی پر سین آورده بود حکم بقیام در چین دارد که  
بیست و هشتم درین حوز بر منیلا مخفیانه از فون اویریکا مقصد اول چنانچه پوخته بود  
و از کسول بهادران اویریکا باغبان غلبه شده اند

اخبارات روسی در پرده غنای می نویسند که ناشی از جنبی مراتب است  
میگویند که اویریکا در جنگ از فلپین حکومت بکسره می نماید  
چهار مشکلات بزرگ خواهد شد و اگر حکومت جمهوری قائم شود باید منتظر جنبی  
از کار و والی های دول اروپا باشد

وقتی که کارلس می نویسد که تسلیم فون منیلا از قبل میسده سرداران اویریکا  
و اسپانیا فیصله شده بود تا اینکه بجهت خوینزی نشود ولی از اشتباه کاری فون  
تحمیل و مقدم جنگ در گرفت این اوقات بهر جهت امنیت نیست هر از فون  
اسپانی در منیلا اسیر فون اویریکا شده

در هک میسده فون اویریکا تب زرد بسیار شده است و ظاهر شده است و است و است از فلان  
جنرال شاقوم نیز موجود است

خیالات اویریکان در تصرف و قبضه دایمی جزا از فلپین روز بروز قوت میگیرد  
جزیره کشور شده بود دولت انگلیس تمام جان جنوبی را تحت حمایت خود آورده است  
مفکرون بعفت میسده از بیست سال این طرف فلوماسی دولت انگلیس که باره  
اعراب یک قهره است دولت انگلیس قضا قبا می باشد که در اعراض عدست  
بیست و نهم علی و شرا نیز که فون اویریکا در منیلا کونست برین همانا بیخیالی باعث  
نامی دولت آزدونیست و حکم از فون اویریکا و از منیلا کوشند

اخبارات روسی نسبت به دولت انگلیس اظهار دوستی و زنی نمایند اخبار نویز میا  
و زنی میسند که گفتگوی چین را با اویریکان که مگر که جنگ است نقل لندن و برتریک  
و اد تا بطور و لوانه فیصله شود

معلوم میشود که اقیانوس است چین که اگر دولت حان شده فیصله معاملات  
اختلاف چین در لندن و برتریک که از پرده  
علیا حضرت پیر افریس بنده و تان ادوز در سیرین است مبارک خود سرداران و پنهان  
در کجایی را اعلت نشان میاید که در کمال تمهید و تدبیر است و همه و همه

قابل توجه مسلمانان  
(نمبر اخبار ۲۶)

از بزرگان مجلس عظیم اتحاد اسلامیان و از ارجل المتین اینها شسته بود که انکب  
داوای آفت که صدر این مجلس عظیم سنی کاخکوس اتحادیه اسلامیان هندستان باشد  
و این امر بواسطه حالات ذیل بود و امید تو است که پس از لاف و اظهار محبت  
اسلامی مایه پند فرمایند

این عسکران هم قابل تذکر است که زاید بر هفتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
و هشتاد و دادا که موجود است که تمام رؤسای روحانی اسلام و علمای کرام که از اسلام  
کمالی و کوشش خود را در انقاد این عظیم اتحادیه اسلامیه ابراز کرده استند و  
نویس را ظاهر شده اند و امید داریم که مسلمانان در مقصود مقدس بزودی تامل کرده  
اول ملاحظه که در عسکران فوق نموده ایم در سنی صدر این مجلس در هند باشد  
اول است اما اینها که ایران متعلق فتنه شیشه است اگر چه برادران سنت که

جساعت هم حرکت اند و طرف غالب شیشه چاشمه بر علی که در ایران بود نام  
شیشه تمام میگردد چون ابتدای کار است و بسنوز در عوام رسوم اتحاد شده که  
ممکن است که بعضی برادران مسول سنت و جماعت خیال نمایند که این مجلس  
فنا شده است این خیال در مقاصد کلیه این مجلس که اتحاد کلیه اسلامیات است  
علی اندازد همین قسم که باره دروم و مصر هم ممکن است بعضی عوام فتنه شیشه این  
این را مخصوص نفوذ سنت جماعت اند و طرف غالب سنت و جماعت میباشد

که در هند بیجهت صدر این مجلس خوب است مل معایب چند پیش خواهد آمد یکی  
بدون اسباب دیگر آنکه چون چشم همه کفار بیکو دیده است اگر صدر این مجلس که بینه  
فتنه کرده ممکن است که کل بر معاملات بیاسیه نماید و اگر در ظاهر حرف گفت نمهند  
با فقا در افتاد اسلامیان سنگ تفرقه اندازند اول هند از بیانات مغربی شیشه  
و سنی مخلوط بیک دیگر که در از روی عدم دست و جماعت فله و از نولی از روی  
توت هر دو مساویند

دوم اهل ایران در دوم و حصه افغانستان بلکه تمام اسلامیان آزادند و در حرکت  
هسته که نه مجالس اهل هند با آن در جدا آردنی باشند اگر صدر این مجلس عظیم  
در بلاد دیگر اسلام شل روم یا ایران فتنه لیکه در بعضی مردمان جسان هند از  
خوف در شرکت آن انکار خواهند کرد و چون حکام هم کاملاً اطلاع ندارند لیکن خیال  
مسئله سیاسی در آن نموده مسلمانان هند را مانع نموده اولی اگر صدر این مجلس هند  
فتنه لیکه که کاملاً بر حکام هند و اوضاع خواهد شد که این مجلس قومی میباشد و سنی  
از سیاست انکب

سوم اگر از روی فتنه که از زمین مسلمانان و مسلمان سنین را بدست آید ظاهر  
خواهد شد که بلاد هندستان در رز از اسلام واقعه و سنی مسلمان غالب عالم است  
تزدیک تر است از فتنه دیگر و لو تیش آن ازین نکته تیز ثابت است

چهارم درین مجلس عظیم علی العماد شرکت سلاطین اسلام ظاهر از روی سنت  
همسین قدر که سلاطین اسلام سرپرستی این مجلس را تسلیم یا تکلیف است و اگر  
سلاطین عظام اسلام ملایه سلسله جسان این امر باشند تمام دول اروپا چشم خود  
باز کرده و بنگران خواهند بود قطع خواهند کرد که این اتحادیه سیاسی است که مسلمانان هند  
و حف الفت آنها تمام نموده اند لاجرم منتضی خواهند شد و در حقیقت مقصود اصلی ما از  
این اتحادیه است که بجهت کلیت رؤسای روحانی قائم شود اتحادیه سیاسی دول  
اسلام امریست جداگانه که خود آنها از ما جدا بپوشه میدهند بیشتر ساعی اند و بنا یکی  
که باید حاصل نمایند کرده و خواهند کرد و هندستان اسباب خیال چکس در هیچ  
امری نخواهد شد

پنجم بعضی سلاج محتاج تر است از مسلمانان هند باین اتحادیه بیشتر تر محتاج  
و اعتمادیکه از روی هند سیاه فزق اسلام واقعت اسرار و اسلامی نیست  
و باید از آن که قومیت اسلامیان هند از میان رفته و نابوده شده است سائر  
اسلامیان عالم را قومیت بر باد شده لعدا اگر در هند شالوده این مجلس عظیم  
پخته شود و فوایدش مسلمانان هند که محتاجتر از همیشه خواهد بود

ششم اهل هند بسیار کم عادت بفرزانه بنگران نمی کشم که اگر این مجلس عظیم  
در اسلامبول و مصر منقذ شود و بخت از علمای اسلام هند شرکت نمایند ولی  
اهل ایران در دوم و هفتم ممکن است شرکت این مجلس عظیم سنی شریکیت  
اگر در هند منقذ شود

هفتم اهل هند باین مجالس مربوطه و تجسده بر شان بیش تر است چون مذرت  
آنها نسبت دیگران بیشتر شده این رو اگر شالوده این مجلس در هند گذارند  
و قواعد و قوانین او در هند مرتب کرد و شاید مقبولتر شود و خصوصاً مشغول  
هشتم مسلمانان هند شصت لیون نفوس اند و هندستان بر سلاطین  
طریق و شوارع در نهایت آسانی میتوانند در یک مرکز مجلس نمایند در حالیکه  
اسلامیان مرکزی که شصت لیون نفوس اسلامیته در اوج باشد نیست و با آن  
مسافران شان من بدالی بلد آنست به جهت معیبه گاری طریق معیبه است  
این مناسبات شاید همه بیجهت این مجلس اصیل بر مالک دیگر باشد  
نهم این نموده العلماء که اسس اصلاح حال مسلمانان و آداب است و امکان  
تجارب و مصلحتها و مسکله و نیزه شان ملت اسلام میشنند و هند موجود است اگر توبه

اراکین ذمه العلماء این اوجم تعلق نسبت بمالک دیگر زودتر انجام خواهد گرفت  
 علاوه برین آنچه از مقاصد ذمه العلماء خود واقف میشویم انعقاد این کجک بکیت  
 اتحاد اسلامیان بوده ولی باجمال در همین مجلس کافلاسای جمیل بکار زوده اگر  
 چنانچه تکلیفات و مقاصد اولیه خود را بدین عنوان نمایند چون شور اتحاد  
 بر سر اسلامیان موج نمیزد بلکه است با تک کوشش کامیاب گردد  
 بهر که صورت مقصود اصلی انعقاد کالج کس اتحادیه اسلام است خواه در کرم  
 یا ایران و خواه در عرب شود یا در هند و غیره ترقی و مسود و گاه در کجک  
 اسلامیان بهتر و بالاتر از انعقاد کالج کس اتحادیه نیست و این امر منوط است  
 به سه امری عمده یعنی مقصود کجک در اعلام نیست منظور آنست که علمای  
 فقیهین نشسته مسائل فقهی این فقه بزرگ اسلام را تقسیم که فعل در ارکان  
 هیچ کدام نیوفته رفع نمایند این امر مسلم است که پادشاهان و رجال بیست  
 اسلام نظریات است این کار واجب میشمارند عوام هم بدون چون و چید پیرو  
 ارازل و افعال علمای باشند اگر علماء اعلام بخواهند بوضع اختلافات ملل بکنند  
 بنامند بحد هم و عازر تو اجابت همست تو در کمال سهولت کجک  
**(اخبارات و خلک)**

اختلافی که میان نواب و دروغان نواحی در باوجود واقع شده بود با امور سیاسی  
 بهند دید مجردین اطمینان را راضی نموده است که در کجک اختلاف رای و گاه  
 خود را مسکم قرار دهند  
 کارخانه ابریشم بانی کشمیر این وقت اصلاح شده آثار ترقی در او نمایان است  
 در بلند شهر مینه کجکی اختفا شده که کن باب یا کار در محوم سید احمد خان  
 شرکت نمایند که با آنچه از او رسیده مشاهده است  
 از فقه این ظاهر میشود که مسلمانان من باب قائم نمودن برین کرسی در دارالعلوم  
 برودی کامیاب شوند چه بلند همان اسلام از هر که طرف بجان ساعی و با کجک  
 دل شکست نماید چنانچه  
 بموجب حساب پستخان سال گذشته سی و یک میلیون و نهصد هزار اخبار در پستخان  
 بهنده جنل شده است این تسه و علاوه بر اخبار است که در هر شهر توسط  
 ادارات قسیم و توزیع میشود  
 شکار فتن رسک بازای او با خیلی اسباب گرفتاری حکام در عایا میشود و تا کجک  
 باز در کجک شخصی از دست آن شکاران میگویند قتل رسیده است  
 راه این دسی در باور بیخجل رسیده عاقبت رسیده خواهد شد  
 و دیدگی حیدر بهند سترگزین وقتی بهند آید لقب لار و خواهد یافت میگویند

سترگزین برادار پیش قوی سرمد است سترگزین چهار برادر و چهار خواهر دارد  
 خوشان اولاد و نذران زودوشان بیست و چهار ساله و در کمال وجه است اولاد  
 و تربیت است در پاک سواهی و بازی شوق زیاد دارد سترگزین در راه سپهر  
 وارد کلکته خواهند شد

کسور و گوربال سنگ که از نعمت زین بسود است و همیشه در سفر  
 سیالکوت ممتاز بود از هشتم اگست ماه جاری یکسوم ثروت از سارامت  
 سکارای بر طرف گردیده جسم او ثابت شده است  
 از پورت کلکته از اکت جناب ظاهر میشود که این ایام زرامات استاج  
 بیاران است

در نایشگاه تصویر که سالانه در شملر میشود اسباب بر میان انعام نیاخته در کجک  
 و باقی بکلیسها انعام یافته

بویسیکه اخبار انگلشن اطلاع یافته سترگزین لاکهارت که بیست ساله سری بهند  
 مت زنده بود و سال گذشته سردار کل جنگ سرمدی بود شاه بدست سترگزین  
 خود نیاید چه تو دوست آن مناسب این همه نیست است رخصت سترگزین لاکهارت  
 آ چهارم نوبت است بهند این خبر رسمی نیست سفینها صدیق نمی نایست الحی سترگزین

ولیم لاکهارت بیست و چهار ساله است سترگزین لاکهارت که بیست ساله سری بهند  
 جنگل رای کجک از اندامی محترم احکم که است زود خود را یکسوم بیست و یک قتل  
 رسانیده در پریس حاضر شده کیفیت را بیان نموده است  
 مهاباد کجک بهند شازدهم جولائی در قلعه دوز سترگزین بیست و یک ساله است  
 انگلستان طعام تناول نموده اند

صدف در صد پنجاب سترگزین دوام سال بیصد و هشت رساله کجک  
 کتاب بزرگ جدید در علم و فن شایع شده است

اخبارات انگلیسی در حالات سترگزین میسوزید که کجک لار و حسنین  
 امدی بیست سترگزین در هنده نیامده در بیست سترگزین همین سترگزین  
 کوناب وزارت است یکی از جهان دیده های عالم و شیاعان آسیا سترگزین  
 هنده از ماروپه از روش سیاست نامرئی خود داخل دارد و ایرات وسط  
 آسیا کلکته سیاست کرده همان امیر کابل و پادشاه سیام هم شده است سترگزین  
 میگویند که حکومت هنده را سترگزین وادان البته ملحق فاضل داد که هنده سترگزین  
 بعضی اخبارات انگلیسی شکایت از کم عمری ایشان دارند سترگزین سترگزین  
 زندگانی که زانیه است کجک نسبت کلام سابق کم سن است ولی از همه جسم سترگزین  
 دوست نظر از اسلامان جناب را بیعت کجک پاری است و از مشقی افغان نموده

(راپون)

دو سال قبل یعنی قبل جنگ با چین شاید اهل ایران غالباً از نام راپون هم واقف نبودند بیست سال قبل مردم آن آسیای اطراف از راپون بودند آننگ و تمام اخبارات روی زمین این دو کلت سی ساله را فتنه ملل و دول آسیا میبینند و میگردد به افواقی هم نیست چنانچه اخبارات فتنه ملل میگردد که از کرم و از زبان فعلت سائر ملل آسیا و سیاهل راپون در ترقیات زمان چنان ظاهر میگردد که در عرض یک قرن راپون بر تمام آسیا حاکم شود و راپون را سزاوار است تا ملین آسیا گویند چه در حقیقت مرئی ترقیات نام اروپا خیالات عالیه تا ملین و شاهان و کاد که از کاد است بیجا است یکی از اخبار آمریکا می نویسد که قبل از سلطنت پادشاه عالی راپون راپون میان مسیح و قبیله ترک ملل آسیا نباشند بلکه غالب ملل آسیا نسبت به راپون دارای ترقیات و مزایا بود تمام ترقیات راپون چه در سیاست چه در تجارت و صنعت و امور اجتماعی و کشوری همه از ترقی و خیالات عالیه شخص پادشاه شده و حق و رفق نیست چنانچه از روز و از آنکه ملت شصت ترقی نماید بخلافی باشد ملت مثل مسیحی روح سلطنت بمنزله روح است مگر جسم در هر امر از ترقی و روح است جسم مسیح روح چه می آید مملکت روس که با کوه لگد کوب تمام ترقی ایران را بر زمین برسد از حال واقعی بطلان است ملت اروپا که با این پایه ترقی کرده از بخت خیالات عالیه یک نفر تا ملین است چنانچه ترقی کرده است بر سطح خیالات عالیه پادشاه بوده است روی با هم سزاوار اجل تمام ملل صوبایان و زمین اگر ملل پادشاه عال و دماغ و بطنه خیال نباشد هر قدر سلطنت قوی و ملت او دانا باشد لا محاله نصیب خواهند شد و در با هم ملل خواهند نهاد و پادشاهان پادشاهان در دنیا از سیاست با جانمندان میگردند طبیعتی است از قضا آنجا که گردید و حال آنکه ملت همان ملت از اهل ایران با آن همه ترقیات و فتنه تحت فرمان شاه سلطان حسین صفوی آمد زبون و دلیل بیکشت رعایای خود گردید همان سلطنت بیکشت شاهنشاهی بدست آرد شاه با عزیمت مغرب رسید دست قطاول مغرب شرق را از کرد و حال آنکه ملت ایران در زمان شاه سلطان حسین صفوی قوی تر و آسوده تر بود و هزار نادر است این امر بیکت شایع میگردد و آنست که کار این سلسله را تمهید و اگر ملت در ترقی باشد و در اقبال و حقوق پیش رانند و دولت و کس آن پیش رفت تمام ملت حال است که اگر پیش از یکسان حکومت با دست پیش گرفته دولت که بزرگوار است ملت را پیشش آرد چنانچه پادشاه راپون کرده و در ای با میرد رانند اگر در خیالات عالیه سلطنت شود از کاد که ما زیاد برود و حق را خواهد گردید تا ملین آسیا پادشاه

این همه صرف ترقیات کلی و ملکی است و نگاه تجارت و صنعت راپون از ترقی پادشاه در بعد ترقی کرده است که اسباب ترقش و دل رنگ که پادشاه و ملکت است یک سالی یک ملین اضافی شود و ترقی در آن راپون از تمام ملل آسیا زیاد است اخبارات کلیه در باره راپون سخاوت بسیار دارند که ترقش درین فتنه بنگرند به نسبت نسبت به سزاوارتر از ما میباشند اسباب ترقی است که در وقت خود مطلع شده اند که چه در کاد

(روس و انگلیس)

بسیاری از دیرین انگلستان خیال خود را محکم کرده اند که دولت روس آخر روزی پسندتان مسلط خواهد کرد و این روز چه تن مصروف پیش بندی در دست بند را بنگراند و این امر در حقیقت مطابق عقل و مال آید و بیسی و تا به بیسی است اول در دست آورد وقت امنیت و آسایش خیال پیش آن جنگ اصلاح و مدارکات مملکت های نشود و وقت جنگ برابری با هم نتوان کرد و بعضی از این سخن انگلستان آراء زینده خود متشکک شده و میگردد که دولت روس قادر خواهد بود و در دست دولت انگلیس این همه صایف که در جنگ روس نمایان خواهد با ملت چنانچه این نام در کتب این بلد که یکی از رجال باهوش انگلستان بدین قسم رای خود ظاهر میگردد که پیش از این دولت روس پسندتان را قتل محتاج بیک صد و پنجاه الی در دست هزار قتل است و باید سوارات در دست هزار لشکر استوار روس نماید چار پادشاه برساند و بعد از این امر چار پادشاه ضرورت است که از مدعیان بیرون است چنانچه در جنگ خدای کوف پانزده هزار قتل پیش زنی با یکدیگر از او بدون خیمه و در کاد و دیگر فرج فتنه شده بود و دست سه هزار چار پادشاه است لازم شد و جنگ بزرگ با رسال میانه افتاد و همشاه و هزار چار پادشاه ضرورت گردید تمام سوارات روس باید از خاک افغانستان گدازد و این روز و ظاهر است که بدست آمدن این مقدار چار پادشاه بیرون از قصر است و لی خیال آری و سواران بله آخرین صواب نیست دولتی که قادر بمرکت و دست هزار قتل از یاد شاه است که در سوارات آنها را بنام و در این باید قصد کرده که دولت روس پیش از رسیدن با این ریک زار را می کرده و باید در راه رانند که در جانب رسانیده است یعنی ارتقا خود را بهرات با سپر اند و با این همه صحبت راه تمام آسیا حرکت نمون را فراهم آورده است حکایات دولت روس نیز بیست یعنی از بقیه خود آورده تمام ملل آسیا که به جهت ترقی و غیره که از انتقام حرکت نماید بیکت که رای در سیران بکند نزد سیارین و پیش از حرکت روس فتنه و از آنای ملل که به مطلع میانهاست است سیارین انگلستان که در ترقی ملل از نام است کار کاد خود را بینه و این نام در جنگ شده که یکی که در دست و ملکی چون پسندتان معارضت انگلیس و از طرف روس که در دست است و در دست است و در دست است که دولت روس هر قدر فتنه است و در دست است

### مقاله سیاحت ایرانی با محسن هندی روز چهارم عنوان دوم

ایرانی - صاحب من دیر زود عده میانه او شمایین شد که از قواعد فیصله عدالات هند در دعای عاریچینی بیان نمایند

هندی - اگر چه علی التخصیص منیتر تم تشریح نایم ملی بالا جمال لب لباب مطلب اعرض میکنم بحیث دعای مردم در هند و شان حکامات و عدالات بحیث

که در هند حکام نیز حکام متحد نوشته از این معنی آنچه متعلق به دعای و مطالبات عامه است منسحب نموده اند و هر شعبه از این معنی یک جا می کرده اند اگر دعوی زیاد

از ده هند را بر وجه باشد باید در عدالت العالمیه (با کورت) رجوع نماید و بجهت و پدر و اگر از ده هزار کمتر باشد در عدالت خیفه و عدالت خیفه هم مراتب دارد و معنی

دعای از صده بالاتر باید نزدیک محکم خصوصی برود و از صد پانین تر نزد حاکم دیگر و غیره و غیره و از برای هر یک از آن حکام کتابچه طبع شده و اصل حکامات را در

دست اوده احدی نیست و از برای ظاهر از آن کتابچه تر نماید و الا کلامی را که درین محکمات می نشاند بدون اتمان لیاقت آنها که آقا قابل اند یا کسی راستین

نیست نمایند که یا حکومت وقت است میانه عامه ملت هر کس که لیاقت پیدا کرده که در اتمان داد و کامیاب است حق آن عهده عینه عالی نباشد پس اتمالی شدن تعلق

او ثابت تمام حکام هم بحسب لیاقت خود از دولت شاهراه دارند که سزاه و میل نمایند و کلامی قانون دان معتبر هم در کلمه موجود است و در فیصله هر سزا و تادیبی

داده اند و دعوی مرتب نموده اند که حاکم محکوم نیستند که دعوی تخلف نمایند که حاکم محکوم تخلف خود را پسندد و هیچ یک میل در غیبت خود نمیتواند عمل نماید

و معنی آنچه او دارد باید روی کاغذات دولتی که قیمت آنچنین است نوشته در کدهالت پیش کخته همان نوشته اول که عرض ناشی باشد دارد و شالوده

حکامات عدالت و بحث در آن است  
ایرانی - بفرمایید اگر کسی صدر و پیرا او دارد در کاغذ چند قیمت باید عراض خود را

هندی - در کاغذ بگویم قیمت آن دو از ده و نیم روپیه باشد و تا هند را در روپین فرغ زیاد میشود و از هند را به بالا اسفند قیمت کاغذ از صدی دو از ده و نیم نوشته

ایرانی بفرمایید دولت بچه عنوان و جهت از دعوی میگرد  
هندی این مورد قانون نوشته نشده که بچه جهت ملی ظاهر است که دولت

خسته نباشد معنی از طرف این اعمال نماید این مصارف را در منزل که خرج است  
بکنند و موجب خیرش حاکم و غیره و غیره میدهد  
ایرانی اینچنین است بر هیچ حکام دخل نمیکند

هندی - خیر

ایرانی - آیا حکام هند بران وجه همین چیزی لغت نمایند

هندی - خیر

ایرانی - پس حکام هند روح حکومت که داخل است ندارند

هندی - خیر داخل حکام همان روح است که از دولت بجهت آنها

مقدار است این وجه و خصوصاً در هند و دولت بشود و از این وجه و حقیقتاً

مصارف عدالت بگردد و موجب حکومت و جنبه ای حکومت اندیزند  
ایرانی - اگر در هند کاغذ دولتی بجهت عرضی ناشی یا سزا دعوی قیمت کم

داده باشد چه میشود  
هندی - مطابق قانون عدالت آن کمی را در رسمیت مسافه کرده از دعوی

وصول نمایند  
ایرانی - یقین این وجه سزا را حکام میبندد و این یک راه در لیاقت بجهت حکام

هندی - عرض کردم حکام پول سیاه بر خلاف قانون و کتابچه نیستند از مردم طلب میکنند خود به برندن آن وجه را مجدد کاغذ دولتی خسته شان

ناشی نمایند و قیمت در کینه دولت میرود  
ایرانی - این چه حکومت است که حکام اختیار دارند و هیچ امری زیادتی نکنند

بخیال من اگر حکام در هند نمایند هرگز حکومت قبول نخواهند کرد  
هندی راست است ملی دولت دعاات عالی آنها و مراتب حکام را از روی

اندازی که دارد و مصارف میبندد معنی قدر سزا کافی با آنها واجب میدهند  
ایرانی - درست است ملی لذت حکومت در مطلق العنانی است که ترند به

بند و بکشد بجز و بچند خسته فاش به هر چه میگفته مطلق العنان باشد  
هندی - آقایی من این معانات که شما ذکر میکنید از خصائص شخص سلطنت است

در هر چه هر که یک سلطان نیستند باشد مثل مشهور است که دو پادشاه در یک ک

اقبلیم بکنند  
ایرانی - جناب من معلوم میشود که شما از وضع دنیا واقف نیستید و سیاحت

نکرده و چهار اسم مشهوره را یاد دارید من می بینم در هر یک از قضایات  
دولت ایران و هند و سزا و سزا که همه با حکام مذکور فون که شما از خصائص سلطان  
بشارید و عمل نمایند  
هندی - آنچه میفرمایند درست است ملی سبب آن است که عرض کردم  
قانون در ایران نیست تمام این مراتب از بی قانونی میشود که حاکم و حکومت  
خود را نمایند هر کس آنچه تمشیش برود عمل میکند

ایرانی - جنس باید هم که می چو قسم باید عرضی ناشی در عدالت پیش کند  
 هندی - مدعی باید ادعای خود را از اول تا آخر با دلایل و وثایق ثابت  
 ادعای خود دارد و در عرضی ناشی نماید و بر صدق ادعای خود باین طریق  
 نماید تا حاکم قبول کند مدعی بودن و بر او اگر دلائل و وثایق است و سلطان با قوا  
 و قانون نباشد حکومت عرضی ناشی و قبول نمیکند و وجهی را که مدعی در وجه  
 کافه دولتی داده از میان ببرد

ایرانی - در عدالت هندی ادعای زبانی را بدون سند و دلائل قبول نمی نمایند  
 هندی - قانون هندی قانون سنگ است چون اهل فرنگ اتفاقاً بدان  
 از آسمان نمانند اگر کسی گوید از آسمان آمده ام و بستان شخص ادعای دارم قبول نمیشود  
 ایرانی - ایران با این قسم نیست مگر بر ادعای زبانی بخواهد پی برده و در قضای  
 اگر از ثبوت آن هم عاجز باشد بعد از یک سال دو سال و نه حتی در محنت مدعی  
 باز هم حق قسم دارد و اگر ادعای شریعت ثبوت با مدعی و زمین رسنگ است و بزرگان  
 از خوف راضی می شوند که چینی به هندی با حق و بی قسم نمودند باری بعد از این  
 بدینم که دلیل نگاه هم لازم است در عدالت ایشان کافه و سند حکم میدهند  
 هندی - باید بروقی سند است و دلائل سفارشی شده خود و تصدیق محکم با  
 بزرگ هم داشته باشد گوا که زنده تاحق او ثابت شود

ایرانی - جناب من گواه دادن در عدالت قیاس است  
 هندی - گواه معتبر مدعی در عدالت حاضر میکند او لا آنچه و کلای قیاس  
 بتوانند جسور و تعدیل او را بپذیرند یعنی قیاس و کلا استطاق از مردم هندی  
 که کل نیست شهادت راست معاف قبول شود لازم است که گواچ و دلیل  
 بکار بر این موضوع ضعیف است در کتابی جدید گاه نوشته اند اگر بخواهید هم  
 بشما ملاحظه کنید بسیاری هم که در روض شهادت میخوانند به هندی در استطاق  
 کذب شان ظاهر شده

ایرانی - ملاحظه حال مدعی و مدعی علیه و شهود و مراعات شان آنها در عدالت  
 هندی - خیر مکان مخصوصی از برای هر یک معین است چه در آنگاه  
 باید توقف نماید و آنچه و کلای سیر قیاس سوال نماید باید جواب بکند  
 ایرانی - منافع حاکم اگر مطابق میل مدعی و مدعی علیه نشود یا آن حق هیچ گفتگویی  
 هندی - سابق برین عرض نمودیم که مراتب حکام تفاوت است و در محکم  
 بالا میسر شود مدعی علیه فیصله حکام ماتحت را استیفاء و پس از آن وقت  
 احکامی را که حکام بزرگ عدالت العالیه (یا کورت) میدهند که در گذر این  
 میسران نمودند و قضا بیک حکم حاکم اگر رضای او بجا حکم بالا دست میرود

این مسئله تا برسد بلندن در حضور وزارت عدلیه بی حکم وزارت عدلیه  
 دیگر استیفاء نمیشود و این سبب بزرگ است که هر یک از حکام در مرتبه خود  
 سعی و کوشش ملحق نمایند در حکم شدن باین چه خوف از حکومت بالا دست  
 خود دارد

ایرانی - از دست در فریاشات شاعران را در یک مرافعه تمام میشود و خانه با چرا  
 میگردد و سالهای سال باید مدعی و مدعی علیه دوچار عدالت باشند  
 هندی - معنی قانون و استقامت کار با اینست که حقوق از میان نرود و بزرگان  
 بریزد دست اجحاف نکند و حکام هم نتوانند میل و هوائی نفس خود را حرکت نمایند  
 ایرانی - مصارفی و مخارجی که درین عدالت میشود بزرگی تحمل نمیکند  
 هندی - اگر مدعی دعوی خود را ثبوت داد علاوه بر آنچه دعوی است  
 مصارفیکه در عدالت کرده بیک اندازه از مدعی علیه میگردد و اگر مدعی از  
 اثبات حقوق خود عاجز باشد مخارج مدعی علیه را از دست او که عدالت مقدر  
 کرده است از مدعی میگردد و غالب مصارف مدعی و مدعی علیه که شده از میان  
 میسرود و بسیاری از مقامات است که مدعی و مدعی علیه هر دو بجاک بسیار  
 می نشینند از مصارف عدالت

ایرانی - بعضی تا بعد ازین همه مخارج و مخارج احقاق حقوق چگونگی میشود  
 و احکام حکام چگونگی بوضع اجساد می آید اگر مدعی علیه بخواهد شایسته طاعت بخند  
 هندی طلبکار باید بر عدالت ظاهر کند که مدعی علیه فلان ملک یافته و عینه را  
 بعد از آن بیکم عدالت هراج میشود بعد از مخارج و جعاله مقدره و دولتی اگر چیزی  
 باقی ماند بطلبکار میسرند و از آن هم اگر رضای خود بجاک می سپارند  
 هندی اگر مدعیون اموال خود را بنام دیگری کرده باشد و با هم خود چیزی ازین  
 نباشد با او چه سلوک می شود

هندی - در باره مدیون که از عدالت انکس نماند گرفته باشد و مالی هم درین  
 با هم و نباشد حکم گرفتاری او را عدالت میدهد و پولیس مدیون را گرفتاری میکند  
 و در حبس حکومت می اندازد و مصارف مدیون که در حبس است از طلبکار روزی  
 چنانچه و اگر یک روز ندهد از حبس میرونش میکنند

ایرانی - در حبس مدتی هم بجهت او هست و او را زخمی هم میدهند بانه  
 هندی - خیر در کمال راحت و عزت است همین قدر میباشد که از آن مقام  
 خارج شود

ایرانی - باین اصول که شامی سندیه که طریقت است که در گذشته عدالت و اصول شود  
 هندی - مگر در ایران غیر ازین اصول است بجهت احقاق حقوق

ایرانی - در ایران همسین یک نمک که سیل کام است اگر ترک شود اتفاق می افتد نسبت بهند بهتر نمایند یعنی باین بلاق ارجن و جدر از دیون گرفته بطریق

همندی - اگر حقیقه دیون نذارد با او سیلک می شود ایرانی - عرض کردم اگر سیل کام یک و یا اگر کمی رعایای خارج یا در بعضی ناموری باشد و مصل می شود

همندی - آقا صاحب شایسته اوقات زور میفرماید و تشکیک ندارد اگر بگویند کا در اینک چه بدوشی شیرینند

ایرانی - مردمان هند ضیاسا ده لوح اندکی شاکردم در ایران کا در نمک شیریند که بچشمی آورده اند و کسالت دارد که این چسباق ارجن را اگر خود دیون نذارد و برادر کسان او دارد از آنها میگرداند و اگر کسان آنها هم نذارد بیگانه و اگر همچنان همکس نذارد در وسط چهار سوی شهر و اهلش چرب

اگر چینی را جاری کرده تا مردمان راه که در رحم برادر نموده و این در ایند

همندی بیگانه و کسان دیون چه گناه دارند که در جوار آنها سالیه می شود ایرانی آنها گاهی نذارد و بی الواقع میگرداند که شام با به اید چون دیون در

شکایت و نمک کام گرفتار است برادر هم میکنند این بد را بدنه خود گرفتارند با آینه چاره آورده شود

همندی - اگر بیگانه دیون این و بد را نذارد آید او در شکوه خاچاند ایرانی بسته میل ما کست برادر او را میگرداند تا نذارد است و قیبه

میرا فته

همندی - از دستار فریاد است تا حکام طاعت از قانون شرع نذارد و آنجلس هم نمیکند و آئین ملک سیل کام است خداوند بفریاد ملک و الهی برسد که کام و حکوم نکالیف خود را نینداند و وظیفه خویش را نمی شناسد

ایشان قیسه سیلکست و در حال باطلت و بزرگ که خیر خرافت و دود کنند این واقعات اطلاع دارند

ایرانی - غیر اطلاع نذارد سبب اطلاع آن است که اخبار از او نیست که تمام مراتب را علانیه بعبس من رجال دولت و بیع مبارک شخص مصلحت

برساند و مردم خیره که بستان غیره مراتب را بر حال سلم برسانند بدان بزرگ هم این فرض میگردند و مراتب سر پوشیده میماند

پیش می رسد و اجنبی مراتب را عرض میکنند که اگر ایران باین قسم عمل شود با از جنسی زحمت آورده همانند وقت نکست بود البر خدا حافظ

ایرانی گفت که در نظر شما هستم

چشمه های شیرین حیات

(ایران)

بقایع کجا حسن المین می نویسد که چون اداره محترم اصل المین کرده و در اینش نود و بود که کشت غالی و سیب اصل استغای حضرت اشرف آقا میرزا علیخان این

مصدر اعظم را عرض نماید آنچه بداشت غیر است لب لباب من میشود - آقا میرزا علیخان این لود را مل بود که در دهه میوه میوه میوه استند فرزند

دولت داخل ملک صورت جسیع و فرج صمی حاصل نموده و هزار نفر امل فستق که یکاروی سود موجب بخورند و همگه فری که در دست میکنند صمی را گرفتار

و تمام اموال دولت حقوق رعیت را پایمال مینمایند و نشان از ظلم و اجاف گناه شود لا بد آنها یکارمانده بعد آمده در صد اصل کجا خویش که مستند و بنیاد

حالات خصیه دولت است براند از طرف دیگر خواسته صد مورد اصلاح نمایند از باب مأموم و صاحبان و طائف سخن آمده و عام الناس هم سپیدانی

چیسند باخته خص دولت خواهی در تدارک فتد ارد و حقوق بر آید ذوات صاحب منصبان نظامی که حقوق تو من را صرف لعود لب کرده و سره را از اشک

و سوار را بدزدی و بونجی را بظلم مجبور میکردند که سودهای شکی از مردم گرفتار امر معاش خود را بگذرانند بر طبعشان ناگوار آمد و در صد ظلم ایصال و حصول آلتا

شدند کجا می یک تومان مالیات وصول میکردند و در توان حسن کجاست دولت فرا هم می آوردند و از رعایا نینده و تومان عاید می نمودند و رعیت

تبا شده بود که همه مسیح نمیدید و تمام کجیکه حکام میرفت و در صد و فریاد کار برآمد و در اعظم را مانع و مانع پیش رفت معاصد خود میدید استند لهذا در

صد آنگاه چینی شده و اینک حرف خود را از طرف دیگر مردم را بعد آورند بسیار از حال ملک و ایمان ملک که عادت بخت خوری و بیگاری کرده

بودند و هر کدام با عدم بیگاری و کسب مشاغل دولتی جمعی نکراد و در خویش کرده تمش میوزند خیالات اعظم راسانی حال خویش دیدند بگنگ آمدند

در آبی یکدیگر محرک که با ضرری نداشت و تجار و کسبه بازار از رعایای غایب که بیخ میسند همیشه مال حسد بیدار میسند هم منفعت خود را روی احد کشید و بر

میفرماید بدقتن و تقس بعد آمده و بر ملای اعلام اشتبا کاری کرده که صد پنج نشد که کار خوار بد است بجهت بیگاری نمایند و بعد قانون نذر را میگرددند

قانون شرع را باطل و متروک نمایند و بفرمان آید که همه کس بیگانه است و این شهر بیگاری ششس ساخته که بفرمانند خیالات این لود در نویست و ملی

عیب دارد و لا قوه بر چه در خودش نیست که بتواند اعمال خیار خود را از قوه



بفضل آرد ثانی حاکم شاه شهید مجدداً با اول ملهون استقامت بصارت  
 در ریاست طلحه امین الدوله بنود و چنانچه عاقلان شده و از هر گوشه آواران انقلاب بگوشش  
 ولی نه آنقدر که قوه مجریه خیالات عالیله در اسلامین اند و بهوش میاید هر خست  
 بهمانی نفس میسج خلقی بوزیر نداده و وزیر امدادی و راه نماینده شهرو است وزیر  
 یکده عقل سلطان است بجز صورت شده ایند شده استخار صدرت خوسته پشاهنم  
 از تمام اعمال استخاد اذنه و حال آنچه میزانه کاری بکنند و رئیس بجهت در  
 شده و همه کن میشود درین معادله شخص سلطنت رعایای چار میهنون  
 و سایرین با حال همیشه خود مشغول شده و نه ایران را اصلاح کند و نه تصبیر  
 امین الدوله جسته این در اینک و کرده و بگرفته اند تمام ایران از وضع و پیش  
 صحر بر این امر و ندانند که اگر خیالات عالیله امین الدوله پیش رفت میگرد ایران  
 ایران خسته سلطنت امین الدوله برین بود که دست در هر یک کاری که میزند نشاند  
 اود حکم نماید ابر این خیال عالی در چند روز صورت میگیرد و خصوص بجهت  
 ملک و ملی کشل را که هزار سال کارشان بیسالی پیش رفته است این با هم  
 استخف آقا میرزا اعلی امیرخان امین السلطان صدر عظم سابق را که آقا در قم  
 طلب کرده و بطلبه ان هم وارد شده اند و بجهت تلف عمل با نشان میشود و بسا در  
 و پذیرت صدر شده اند تا بعد پیش آید  
 از تهر اسوع حضرت اشرف حاج شیخ محمد خان شیرالدوله وزیر امور خارجه  
 ریاست وزیران و نداننده بوده اند ولی قبول نمی فرمایند چه میدهند با این  
 حالت عالیله پیش رفت کارها و شوار است بیکه در ادارات قائم شده  
 ولی تا کنون کار و اداری کامل نشده و بهستند زود هم هست یعنی کار و اداری  
 است اولین برای امین الدوله قائم نمودن ادارات و جبات بود از فراموش  
 هم می شود که در وقت قبلی معنی ازین در کشای ادارات جدیدی که بصدور  
 ده اند خصلع نمایند و از حالات کار و اداری معنی که کارش این وقت  
 سبب نماند ظاهر شده است مثل شهرو است که از شخصی پرسیده درین  
 قریه چه حال میشود جواب داد بواسطه آنکه یکی میسازد و دیگر خراب میکند  
 بعینه همین حال ایران است بجز هر اموریت که مستحب شده آنچه نامور  
 سابق ساخته همه را خراب میکند و بسلیقه خود میگذارد از وزیر در این  
 هیچ کاری از هیچ ناموری بیکنن میزند همین حال امروزه در حکومت هر  
 مشا در میشود و ایند که این را که حکم سابق که کرده بود و در تها وقت صرف کرده  
 و بکلیع از خستگی کرده حکم جدیدی وضع نموده است حالا میزانه سلطنت خود از  
 لوده بوزیر ندانین اصول که هر که ملک میسوزد خواهد شد نه وقت کرده خواهد شد

نه حالت ایله دولت رو به بهبودی خواهد که آرد و باری خیال اما اگر میگرد  
 بسا رک که که اندازند آنها مسلم تمام عالم است از قریه بیرون آیند و بسند صدرت ایران  
 بیشترت کار بایش رفت نخواهد کرد و اگر که دولت تمام رجال و پشند را بشنا  
 و همیشه فت معاصد ملک ملت و دولت که بچو مرتب کرده و بچو شخص سلطنت برین  
 تمام و در ادنا جان ادارات بسیارند بشرط آنکه بترسم زار و رواند اند کرد  
 نواصت آن لازم نیست که در رعیت قانون جاری شود همین قدر که کام و  
 مورین دولت و صاحبان ادارات و وزیران پیش رفت معاصد خود پای بند  
 شود رعیت باقی پای بند خواهد کرد تا اگر اداره هم منتقل میگردد می شود و برین  
 هر کم میزد خیالات در اول باشد تا یکی نشاند و دیگری خست ب کند و بده  
 معده شخص سلطنت در کجا بچو قانون فرج بکار نرود و احکام نامخ و منوع پیش  
 رفت معاصد صادر نشود و لو که آنچه پیش آید خیال دارد امور ملکی ایران اگر  
 استقال میروی شود تمام نواقص در قلیل زمان رفع خواهد شد

(شیراز)

دقیق کجا جبل المین میزند که در فارس مطلبی بسند هم اس دور اس بگردد  
 گرانی اسعار در میان نیست چه یکماه قبل بجانر خنایمیل با زانی شده و بیشتر از بیست وقت  
 منزل کرد چون رخ نموده حاصل رابع و فرب شده و بگفته شمورین میدین بدون  
 استخار هم که کس توانست ده تومان تحصیل کند دست بکنند و ندانند آنچه بود  
 گندم و گاه و در فن و برنج و زغال و جمبات هر کاسراغ کرده و فریده و نمونند گندم  
 یک هزار و صد و بیست هجاسی بود و جمالی در فن چهار هشت هزار شد باری  
 چون اشخاصیکه بایک منبع بود در احکار کنند با بیفایح شفق که حکما باشند با بقوه  
 جیره که نامورین باشند یا بده ارک از یاد و فکر بهت رفاه غرض که ایجان و شهابا  
 خود حایف بدون استثناء در احکار شب در روز شونند بجز عهده که بایک دست  
 ضعف افخته شده است پس چاره جز توسل و توکل بچاره که بکنند از در فنا  
 سده و است و اسباب ترقی زرخا موجود  
 میانه ایل اشغالی خوانین آنها با عبدالله خان مولک السلطه ایل یکی خودشان  
 تراکت و چند نفر ایجان آنها مثل خدیو که بگوشش میسارین کشته شده اند  
 حضرت ایالت جناب شاه نظام را با اصلاح مابین آنها نامور در و نداننده نموده اند  
 هفت است که یکی از او را و شیخ خلف که از رفایای قدیم بندر گنجه است با بصیرت  
 دست و پای کامل آمد بندر لنگه و تعرف نموده و تمهیدیکه ملک قدیم و عالیله بدست  
 دولت ایالت خواهد بود به هم رعایای آنها هم بچو ایسهای کام و اداری و از سرین  
 شیخ مفر لنگه آقا میگردند مارضی بایک شیخ بجهت هم در ایالت را نشان چون

حکومت بندرات اینده میخیزد که کثیر کرده است که مستخدمان جدید میباشند  
 و از راه شکلی هم گوییم که اینها حرکت کشون است که در یکی از شهر هیت  
 و استندای در کشتی دولتی ایران هیت بندر که حرکت نموده اند تا به بندر  
**(مسترت)**

بر مسی که اطلاع حاصل نموده ایم صاحب استیلا به التهار و الافرغ قایم را از قریه  
 شیرازی طاعت و محبت پناه حاج میرزا عبد الکریم تاجشیرازی که از غایت بزرگی  
 بهمانند قدره و اعتبار مستحق از تعریف و توصیف از حیثیت قبول و طاعت  
 و بزرگی قوم اولین ایرانیان بلکه از حیثیت ایانت و اقبال اولین  
 رجال کلکته بوده که از این ایام در سبک تاجارتا به بندر خود را ترقیات کلی داده اند  
 و در سن پیشاپه فاطمه آقا میرزا محمد باقر صاحب تاجر شیرازی یکی از  
 رجال صاحب وجدان و مردمان با تجربه آرزومند چسکیده تجارت میباشد  
 علاوه بر اینکه در او از ده سال کامل تصدی تمام دستگاه تجارت بزرگ والد به  
 خود بوده اند از اینها نوزده سال بیطرف نشان شخصه و شکایت تجارت عمومی  
 داشته و از زمانه مرحوم میرزا عبد الکریم والد بابدشان مرجع کارهای بزرگ  
 تجارتی بوده اند و غالب تجارت از آن زمان در امانت کار بهای خود رجوع میباشند  
 داشته اند پس از فوت مرحوم حاج میرزا عبد الکریم والد بابدشان چون در  
 مشقه و فیصل حسابات مردم کارها شده بود ایشان مشغول کارهای تجارتی شخصی  
 خود کافی السابق شدند و الحق در عرصه این وصال تجارت شخصی ایشان در بالاتر  
 کرده است علاوه بر این تمام رجوعات والد بابدشان رجوع به دستگاه تجارت  
 شخصی ایشان شده در این زمانه قبیل تجارت شخصی ایشان و در ابلال انفاذ  
 تری کرده است این قیاس الحق بافت سرت کلی با گردید بدین خانواده از یکصد سال  
 تجارت است که در تجارت غنچه ایرانیان تمام هندوستان بوده و میباشد و  
 بدون آنجا بری و حسن تمام تجارت ایرانی کلکته بوده اند از دهه خود آشکاریم که این  
 دو دمان را در کال غنچه و احترام عامه که در آنجا میرزا محمد قریه صاحب یاد بر اینها  
 زرقانیت نمیدانند که اسباب چشم روشنی همه ایرانیان هستند

تاسیف

وزاب آقا هاشم شاه پسر اکبر زاب خیران آقا قاسم الدین شاه شاد و زمین پر  
 سوز حضرت آقا علی شاه اصم الدین تقار و والد و قدس سید شاکان کور بر سوز  
 شان علیین آشیان آقا جمال الدین شاه است

این سید جلیل القدر را در سن شش سالگی در سن اتمام تحصیل مسلم عربی و فارسی  
 فقه مکرده و بعد از آنکه زری بنیه بهر کانی گرفت شخص شکر شامل و فرزند  
 خصال صاحب کالات مودری و معنوی و صاحب سعادت دینی و دنیوی بود  
 در اسباب تازی و سینه اندازی بین امثال قیاد و آشنه او صاحب کمال و سیرت بود  
 یکی از اصحاب اساطیر با مردان این خانواده موسوم به درجه پیرا که شاید نام  
 امسکی نباشد و در پرتو که میلان بزرگان معنی است در علم رات حضرت  
 ناطقه با خانسانان بود چندی بود است که خدمت آقا شرف شاه مقوم  
 انهارا رجوع دیت میکرد

عصک روز و دوشنبه در حالیکه آن جوان ناکام در اطراف قبا بود چندی  
 پس از ایشان عالی نموده فرار در اریخته و در سینه و دیکه نالی کرد چون کمان  
 در مار اشکته و خیل شدند یک پس از یک هم یک زن محترمه نالی کرد ولی  
 یک کلان هم که شمشیر میزد و بیاروی او دیده منهد اسب و در گرفته و در کلان  
 هم بود چسبیده اطاعت زود گویند یک چشم آن ننگه است سلام میدهد  
 تا پیشش که شود آتش پویس سینه و وقایع را بجزیر کرد و در سبک هیچ  
 جای سبکش را بچینه از قولی این سرسوی سبک دار سبک بر کوا از نوازش  
 اسب سینه و در همان روز مصیبت بر روز شربت شهادت نوشید و  
 طاعت سعادت پوشیده منحل مغزت نفس آن مرحوم را المانت نهاده  
 در پرتو و صبسی مجالس تعزیت منعقد و اعلائی سائلین و اطعام مساکین  
 پر که اختیاز قینه غیر مینه این سید جلیل القدر در این مصفات عقلی مایه هم  
 و غم و اندوه عسوی شد مدت آن مرحوم چسبیده و با نوزده سال بود

علیه رحمت و اسوه  
**حادثات مالک عثمانی حسب نگارش**  
**وقایع نگاران جبل المتین**

این در کتب اخبارات اکتلیه میسر شده که در کتب بقاوت سرفتا با معتقد  
 بصواب نیست بل خط و غلط در کمال سرعت مودین کارا را میسکند و غالب  
 در بعضی از مقامات و جایچه مستور است زود خود میسکند و با اینها  
 بتفاوت نباید گفت بلوی و تفاوت در صورتی میباشد که سبایا بر خلاف حکومت

**لبنج**  
 وقایع نگار جبل المتین سینه قبل ازین از روش محمد شیخ علیقه عرض کرده ام  
 سوم ربيع الاول حاج میرزا امیر و مراد العظام متهم السلطان برینجه بود  
 بیکی دام قبل از که چاره دولتی موسوم بر سن هیس و از نوبه شده تحقیق امر  
 فکرموده جز از سرت روز توخت صوب بندر عباس روانه شده اند العلم  
 استعدای شیخ محمد قبول شود بانه

(اجبارات خارجه)

معلوم نیست که در یکی بر شهر پدلف و دشملکی ایشخ محمد بن خلیفه بنده  
لجوریده است که بدون هیچ کارروائی مساوت بمبایسی کرده پس از آن  
خواهیم نوشت

یکی از اخبارات انگلیسی میگوید که در تمام عالم عمل رشوت رایج است و  
در سلطنت انگلیس همونها رشوت هر که سالی داده و سنده میشود ولی کار با  
قانون نوعی حکم است که نیست و آنرا محقق رشوت نمودات دولت را  
کشتن نفع و نقصان رشوت عاید ملت است

برعکس ایران با بجهت ده تومان رشوت ریشه دولت را بر باد میدهند تا  
نقصانهای رشوت ایران بدولت ملیده وارد میاید

اخبارات انگلستان می نویسند که قوانین دول سواره گریت فسد و این  
قانون جدید ترکی را در گریت مانع آمد و در قانون گریت این امر را  
دیده استغاده است حکومت گریت بیابالی بوج کرده نوشته است  
که درین صورت باعث کسرشان حکومت است قبول اخبارات انگلیسی  
جوابی از بیابالی داده شده است این خبر محتاج مقبول است هیچ یک از اخبار  
ترکی و عربی درین موضوع بحث نکرده

دینس فسد می بیند که در روس رفته بود این ایام از پترس برگ فایم برکن گره  
وقتی که در پترس برگ وارد شد کمال پزیرائی از فطلم علیه رخا باری غیر فطرم  
خانه جوابات متشکرانه شنیدند

در جشن ولادت پترس آف ویلر که نهم سپتمبر است ترکیه یک پی قیمت و شبانه  
جاری خواهد گردید

دراگر چین، و پیکر نامرغار و در اطلاع داده که شکست دولت انگلیس در چین  
علت غالی همان تجارت تریاک است و اگر چین از مصلحتات اندوختنی  
کالا و اتمف و مطلع است و اگر موصوف میگوید که دولت انگلیس باید با چین  
عصب خود را در چین زیاد نماید

در حکمت علی دولت روس و چین روز افزون کامیاب میشود و عاقبت روس  
ملکت تبت را قبضه خواهد کرد و سفارت روس وزیر اعظم چین را گردانده  
و اگر دولت انگلیس فوری گوشش کند دولت روس کوی را از میدان چین  
خواهد راند و در دست اگر انگلیس طلبه نماید در هیندهم اتمه ارد دولت انگلیس را  
شکست وارد خواهد آمد

دولت روس کمال سی را داده که در ملک تبت اقدام حاصل نماید عین منزل را

یا سلطان وقت اقدام نمایند رجال دولت علیه هر چه معروف رسانیدن  
جوابات در قضاوت باشند چنانچه بیکدیگر کامیاب هم گردیدند

بعضی از رجال سیاسی فرنگ با یکی خواستگار قضاوت کردیم بجهت دولت عثمان  
بود که غالب سفرای اسلامبول را هم با خود مع نموده خانه رعایای خود را در  
بلوای ایستادن از بیابالی خواستگار شدند و این سلسله از ایام بلوای ارمنه  
پیش شده بود رجال دولت علیه عثمانی طبع و لعل جواب دادند این بار  
عسکون را موضوع بحث نموده که بیابالی پیش کرده رجال عثمانی مساف  
جواب داده که بلوای ارمنه از فتنه انگیزی دیگران براه چنانچه بیکدیگر  
ثابت گردید و در خصوص متفقین انصاف است که نقصان رعایای دولت علیه  
عثمانی را که در آن بلوای شده از فتنه بین طلب شود و درین سلسله سفرای دول  
خارج بیکدیگر بحث نمایند این نوشته را بار نیزه ..... ده امید که

و کان غیره و که کامیاب شوند

غالب اخبارات ترکی و عثمانی من باب سابقین راه آهن بغداد و دمشق  
بحث می نمایند سلسله جنبانی این بحث از اخبارات هستند و همگی  
مترجم موقر و کمال امرت سزادت در اینست این موضوع را نیز بحث کرده و  
بسیار میند کمال نوشته است اینچه درین عسکون سایر اخبارات عربی و ترکی  
نوشته میبینند از سلسله جنبانی و کمال امرت سزادت مقصود همه و کمال امرت  
این بود که این راه آهن که سفایش میرون از حد و حد است از زمانه اسونیا  
ساخته شود و علاوه بر نواید مالیه منافع سیاسی بزرگ درین امر مرتب بوده  
و حکمت این ایام بعضی از جنبانی های خارجه در صدد گرفتن امتیازات  
بعضی ازین شبه های راه موصوف هستند و بعضی از شعبه را هم ایتیار حاصل کرده  
از آنجمله یکی از جنبانی های فسدانس خواستگار است که امتیاز سابقین راه آهن  
و همگی که از طلب بزرگبر و افزاه است که امتیاز حاصل کرده است رئیس  
راه آهن اطالی که یکی از مالیه های باشد و رسد و گرفتن امتیاز حاصل نمودن راه  
آهن تا بلران میباشد و درین خصوص گویا توسط سفیر کبیر دولت علیه ایران جناب  
جسالتما بجل کریم قایم سز احمد و خان ملا و الملک بلهران مناسبه می شود  
اگر چه موصوف و کمال امرت کمال سلسله جنبانی را نمود ولی تیره بر عکس پیشه مقصود  
اکسی سابقین این راه بود و توسط اسلامیان و سرپرستی امپراتور سلطان  
اسلامیستان در خواب مانده و دیگران این فساد را بر کرده و پیشه زغال است  
قتضی یک جنبانیها مصلحت خود را نشاید بکار وائی شروع نمایند و برای دولت  
علیه در عرض داشت کجانیهای مذکور غیر نمیاند

بر خلاف دولت انگلیس منبوه است

و الا تعذر تا آنجا که ممکن در پرتو سبک قیم است من باب اصلاح ثمن  
بمن زبان وزیر بگ روس متواتر با قات و بحث نماید بقول اخبارات روس  
تا تخمین سیج یک از برای بنسار این تدمیر قس و سیاست در نش بنوده  
ابا سال نشانی صادر کرده که از مالک خارج در بنزیره (داسوا)  
بسیج قسم تبا که ولده نشود

نقون و دولت عثمانی در کریت سجده هزار و دویست و نود و نوزده باشد که  
درسد و از توچی و موزیکان بی قیمت هزار می شوند دولت علیه عثمانی اراده که  
دارد که بر قسده و ثمن کریت بنفرا به قول اخبارات لندن امیرین سیکا  
دولت خارجد مانع اند

و الا ضعف است خدیو مصرین ایام کرد قق انسه و پاریس شش ماه گویا بود  
من باب یکی وزن جنبه خود مشوره بنمایند

نار و روز بری که او در رئیس است انگلستان یکای شتر که ستون مقرر شده  
مقوم قس او تسلیم کرده اند اراده دارد سیاست بسیار مفصلی بکنند و در  
که پسند هم میاید در زمان مسکه انفرمالی لار و فرن لار و موصوف بکلست  
نینه رونق افکند و ز شد است

در پرتو سبک پرنس فرمی نینه در تقریرات خود اقراران نموده که بانی آزادی  
بنا بر سان دولت روس است من و تمام ملت بجا ریزه این احسان بزرگ است  
روس را هرگز فراموش نخواهم کرده و علاوه بر هم فیلی چا پلوسی کرده است  
را چون و نسل خود را احسنه سیام مقرر کرده اختراعات ما بین هم حکم دفع خود  
امپراطور آلمان دوستانه از رئیس دولت آنا زونی استفا کرده است  
که خیالات دولت آنا زونی من با جنبه از فلان من پیشه

عانه رعایا یکد خوانان اصلاح جدید در جوارت بدید من شرکت کرده  
یا در قسم و دوازدهم شهر جاری در پارسان دولت انگلیس من باب معالفا  
چین بحث شده و حرکت ملی دولت انگلیس افرانعات کلی واره آورده اند اگر چه  
مستزاد بعد جواب داده ولی از جواب آن تشفی خاطر نشده است -

مستزاد بعد این امر استبول کرده است که صب و غلت در روض سابق  
دولت انگلیس در کمین باقی مانده و شکست باقی ماند ولی در تجارت  
دولت انگلیس منبوه نخواهد در دوازه چین بهیست تجارت باشد نخواهد  
بهیست صورت معالوفی از آن نمی نماید و در نخست وزارت عالی رفقا

تشریح تبدیل شود

احمد لاری سیاست دولت انگلیس درین سبک است من باب تقریر  
نمودن حسین انگلیس قناز سافتن را آهین بنکو و کچن کسبیا چین و انگلیس  
سپاده شده بود دولت منبوه که در بایان کرد دولت انگلیس من را ایمان و  
که هر کس منبوه سپاده شود انگلیس در جرایم او موجه دست او گرفتار  
روس و فرانس قسده که در راه دولت منبوه از طریق نموده هر قدر سیخ انگلیس  
کرد و گوشش نمود زیر علم منبوه قسبول کرد این مسئله جهت سیاست دولت  
انگلیس چیرین شکسته بسیار بزرگی شده است رجال دولت انگلیس هم در  
هستند این در مسالعات سیلیته دول در ساحت منبوه فیلی از آن شکسته  
تا مورین و جهلات حکا دولت انگلیس با حالات عالیته سیلیج فارس متوجه  
از دور بکنند که دولت علیه ایران با ما کم بشد حق دستت بجز چه خواهد  
کرد این واقعات نام لمبه دولت ایران دارد انظار خارج بپست نموده است

(تلمکرافات)

حکومت قاهره در جواب درخواست کیمالی آلمان من باب سافتن راه آهن  
انهار و شش که ما خود قدرت با سافتن راه آهن داریم  
دوم برسیع ثانی دولت اسپانی متفرض است که قبضه مینیا بر خلاف قوا  
دولت منبوه دست خود قویع آن بعد از اسفای صلح نامه بوده است

(تلمکرافات دجله)

با وجود که در نهفته برودت برانیت هفت که ششش بود و بجهت اورغالب  
که طاعون بوده است این جنس ترقی نموده و زیاد بگردیده است و از بورت سنی طاعون  
کشده منبوه طاعون خیف شده و بجهت هم شش منبوه گذشته روسی هم رفته روزی از  
الی بیت الا قفس طاعون بیست الی بیست و یک نفر طاعون شاره در که بورد  
نفر در سلی هر روز از بجهت تجاوز بوده آبا انهم در غالب سواد می بنیاسته است اسباب  
اساک باران از اشکای نیست و امید است که حالات نکوشند ولی در کمال سراسر  
از بیماری طاعون دارند که اگر نده انچه در موسم سهاست خنده بیا بکرد

(کلاکت)

در نهفته کلاکت از مرض طاعون منبوه و منبوه که بکنایه ششش روزه کو این منبوه قس  
در کفر اگر در سینه کرده و در کس که قفا طاعون نشود کلاکت از طاعون منبوه خنده این امر  
منبوه برعت امیرین تصنیف در کسوح نیده آبا بر بجهت از خالی طاعون منبوه خنده این امر  
عکسده است از آن هم بارید و میار جت همی نیز خراب است از هیچ عرض شکست نیست این امر  
بعین کلاکت از بجهت بار خنده پیر روز اسبابی بود این بعد پرازه و در ششش

و الا سبب وانی خواهد شد تا اسب وانی موسی برسد  
جلال الله